

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

جیران پبله وری

۱۹ مارچ ۲۰۱۱

کار کودک در سالی که گذشت...

سال ۱۸۳۵، تیتیر خیر: "کودکان کارگر در نیوجرسی اعتصاب کردند"
اما در سال ۲۰۱۱ و در جهانی که اکثر کشورها کار کودک را به رسمیت نمی شناسند "عکس های هنری از بچه های کارگر برای فروش" تیتیر اخبار خواهد بود.

....

سالی که گذشت پر از اخبار مرتبط با کودکان کار بود... و حوادث و روندهائی که هیچ یک در جهت بهبود شرایط این کودکان نبودند.

آمار رسمی یونیسف در ابتدای ۲۰۱۰ بیش از ۲۵۰ میلیون کودک کار و بیش از ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان را بیان می کرد و آمار رسمی آن در ابتدای ۲۰۱۱ نیز هنوز وجود بیش از ۲۵۰ میلیون کودک کار و بیش از ۱۰۰ میلیون کودک خیابانی در جهان را به تصویر می کشد. هرچند که قویا معتقدیم که تعداد این کودکان بسیار بالاتر است اما همین نشان دهنده آن است که هیچ تغییر مثبتی در لابلای همه تلاش های به ظاهر فریبنده و پیگیر در رابطه با کودکان کار و خیابان رخ نداده است.

در برآورد سازمان جهانی کار حدود ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار کودک در ایران مشغول به کارند (هرانا؛ جوزا [خرداد] ۸۹)، و در برآورد کارشناسان آسیب های اجتماعی و فعالان حقوق کودک ۷ میلیون نفر (هم صدا؛ دلو [بهمین] ۸۹). اما به گزارش رسمی مرکز آمار تعداد کودکان کار در کشور ما امسال دو میلیون و پانصد هزار نفر تخمین زده شده است (ابتکار؛ حوت [اسفند] ۸۹). از این تعداد رسمی حتی، بهزیستی -که مرکز متولی کودکان کار و خیابان در ایران است- از پذیرش ۶ هزار و ۹۴۳ کودک کار و خیابان در سال گذشته در سراسر کشور خبر داد!! (ایلنا؛ شهریور ۸۹)

در سالی که گذشت هم چنان تأکید مسئولین بر باند جلوه دادن کودکان کار و خیابان و یکدسته کردن کودکان کار و خیابان با متکدیان و هم چنین نژاد آنان بود. به عبارتی تمام ساماندهی هائی که برای کودکان کار و خیابان انجام

شد به منزله آموزه های تبلیغاتی رو به جامعه بود نه راهبردهای حقیقی برای کاهش معضل کار کودک و تأکید بر این موارد در تقریباً تمام اخبار مشاهده می شد:

- بر اساس آمارهای رسمی ۷۰ درصد کودکان خیابانی کشور غیر ایرانی بوده و از ۳۰ درصد باقیمانده نیز تنها سه درصد زیر پوشش سازمان بهزیستی هستند. (مهر؛ جدی [دی] ۸۹)

- اهمال شهرداری تهران در ساماندهی متکدیان و کودکان کار (مهر؛ بهمن ۸۹)

- ۵۳ درصد کودکان خیابانی در هرمزگان اتباع بیگانه هستند (مهر؛ دی ۸۹)

در تابستان امسال تحقیقی که توسط پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی دانشگاه بهشتی صورت گرفت مشخص کرد که ۵۶ درصد کودکان خیابانی بی سوادند و در مجموع ۸۶ درصد آنها فاقد هر گونه مهارت شغلی اند. (شهرزاد نیوز؛ مرداد ۸۹) که به نگرانی های بیان شده و رسمی در این زمینه دامن زد. هرچند که با شروع فصل مدارس و سرما و افزایش نگرانی های مربوط به کودکان کار و خیابان سرپرست سازمان بهزیستی با اعلام اینکه مسئولیتی در قبال کودکان کار، و کودکان خیابانی باندی نداریم گفت: "مخلص آن دسته از کودکان یتیم، معلول، بد سرپرست و بی سرپرست هستیم که حکم دارند". (ایلنا؛ شهریور ۸۹) و به این شکل تکلیف ارگان متولی کودکان کار و خیابان را با ۴۰۰ هزار کودک پناهنده افغانی در ایران (هرانا، تیر ۸۹) مشخص کرد.

از دیگر توجهات مسئولین به کودکان کار و خیابان در سال گذشته اقدام به برپایی جشنواره "کودک و نیاز" بوده است که با بیش از پنج هزار عکس دریافتی در زمینه کودکان کار و خیابان وارد مرحله داوری شد (ایرنا؛ دی ۸۹) و بعدی فانتزی و تفریحی از این مقوله را نمایان کرد.

هم چنین در دی ماه امسال سمینار کودکان کار و خیابان و زنان سرپرست خانوار به کوشش مؤسسه مهرآفرین در تهران برگزار شد که طی آن فاطمه دانشور - مدیر عامل این مؤسسه- اعلام داشت که "باید بتوانیم با جذب کمک های سازمان های غیر دولتی در جهت رفع مشکلات این دسته از کودکان برآئیم." و از دولت ها در این راستا رفع تکلیف کرده و همچنین تأکید کرد که "حمایت از کودکان کار و خیابانی باید علمی باشد!" (جمهوری اسلامی، دی ۸۹)

در روزهای واپس سال ۸۹ نیز فائزه عبداللهی خبر از الزام شهرداری ها به حمایت از طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان داد و ارایه خدمات آموزشی، ورزشی، تفریحی، پزشکی بهداشتی و تغذیه به کودکان کار و خیابان و مساعدت جهت بازگرداندن آن ها به آغوش خانواده و در صورت نیاز مساعدت به خانواده آنان را نیز از وظایف شهرداری ها برشمرد (جمهوری اسلامی؛ اسفند ۸۹). در نتیجه متولی جدیدی برای کودکان کار و خیابان معرفی کرد که سابقه درخشانی در جمع آوری و تبدیل کودکان کار و خیابان به دکور شهری دارد؛ چه با رویکردهائی مثل پاکسازی ناگهانی آنان به عنوان مخدوش کننده چهره شهر و چه با لباسهای رنگین با آرم شهرداری بر تن کودکان فال فروش کردن به عنوان ریشه ها و آذین بندی های شهر.

اما گذشته از حوادث کار ناگوار بی شماری که منجر به نقص عضو و یا فوت کودکان کارگر در سال جاری شد - که از تلخ ترین موارد آن مرگ قانع شریفی، کارگر نوجوان بود که به علت فراهم نبودن شرایط ایمنی از ساختمان در دست احداث بیمه! به پائین پرت شد-. بیش از ۹۹۳ مورد فوت کارگران در حوادث کار را در ۹ ماه اول سال جاری داشته ایم (ایسنا؛ بهمن ۸۹) که نیاز به توضیح ندارد که فرزندان این کارگران فوت شده به زودی برای تأمین زندگی کارگران نوجوانی خواهند بود که وارد همین سیستم ناپایمن خواهند شد.

در واقع به این شکل شاید بتوان اخبار حقیقی مرتبط با کار کودک را رخدادهائی دانست که بر بازتولید مقوله کار کودک موثرند. از این منظر می توان گفت که اعتصاب های پی در پی کارگران در تمامی صنایع و شهرهای کشور که در نیمه دوم امسال شاهد آن بوده ایم، افزایش ۲۵ درصدی بیکاری زنان (هرانا؛ شهریور ۸۹)، فعال بودن تنها ۳۰ درصد از صنایع کشور و تعطیلی صدها کارخانه و بیکار شدن هزاران کارگر (ایسنا؛ اسفند ۸۹)، نرخ ۴۳ درصدی کارگران زیر خط فقر به نقل از رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگری (رادیو فردا؛ بهمن ۸۹) و رشد ۱۳۹ درصدی اجاره مسکن به گزارش بانک مرکزی (خبر آنلاین؛ اسفند ۸۹) و ... همه از بالاتر رفتن آمار کودکان کارگر در سال آینده خبر می دهند.

و شاید به همین دلیل است که جملاتی مثل "۲۲ راه حل برای جذب مردم به فعالیت های خیریه" به تیترهای روزنامه ای امروز راه یافته اند....